اثربخشی مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فرا هیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده

سارا نجاتی فر[1]، احمد عابدی[2]، امیر قمرانی[3]

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. دانشیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۳. استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره پنجم، شماره پنجاه و دوم، بهمن‌ماه ۱۳۹۹، صفحات ۳۸-۲۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰٤/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده انجام شد. طرح این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی به‌صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش شامل کلیه کودکان ۱۰-۷ سال با مشکلات رفتاری برونی‌شده شهر اصفهان بود. نمونه مورداستفاده در این پژوهش شامل ۳۰ دانش‌آموز با مشکلات رفتاری برونی‌شده بود که به‌صورت روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به دو گروه (آزمایش و کنترل) تقسیم شدند. گروه آزمایش طی ٦ جلسه در مداخله شرکت کردند. ابزارهای این پژوهش شامل فهرست رفتاری کودکان و پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون بود. میانگین پس‌آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش با یکدیگر تفاوت معنی‌داری داشت ($p<۰/۰۵$) که این امر حاکی از تأثیر مثبت مداخله والدمحور می‌باشد. این مطالعه نقش و اهمیت دیدگاه فراهیجانی والدین را روشن ساخت و نشان داد که مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی باعث بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده می‌شود.

کلیدواژه: مداخله والدمحور، فلسفه فراهیجانی، کودکان، مشکلات رفتاری برونی‌شده.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

مقدمه

یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌های مربوط به اختلال‌های رفتاری کودکان، تقسیم‌بندی آخنباخ و رسکورلا[1] (۲۰۰۱) است که بر پایه بیش از سی سال پژوهش، اختلال‌ها را به دودسته کلی درونی شده[2] و برونی شده[3] تقسیم می‌کند. اختلال‌های درونی شده بیشتر درون فردی و شامل مشکلاتی همچون کناره‌گیری از تعامل‌های اجتماعی، بازداری، اضطراب و افسردگی است. در مقابل، اختلال‌های برونی شده برون فردی است و به‌صورت فزون‌کنشی، پرخاشگری، تضادورزی، نقض قواعد و قوانین اجتماعی ظاهر می‌شود (آخنباخ و رسکورلا، ۲۰۰۱). رفتارهای برونی شده دانش‌آموزان به‌عنوان الگوهای رفتار عمدی و تحت کنترل که پایدار بوده و گرایش به ایذایی و اغتشاش‌گری برای دیگران دارد، تعریف می‌شود (زی، جونگ و کومن[4]، ۲۰۱۷). دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری به‌طور معنی‌داری، مستعد نشان دادن سطوح بالاتری از رفتارهای برونی‌سازی مثل پرخاشگری، مشاجره با دیگران و ناکامی هستند. این دانش‌آموزان اغلب فرصت کمتری دارند که به‌طور ویژه در فعالیت‌های کلاسی شرکت کنند، رفتار کلاسی مناسبی داشته باشند و شکلی از دوستی با همتایان را نشان دهند (ویدن، ویلز، کوتوتیز وکامپس[5]، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، دانش‌آموزان با اختلالات رفتاری، پیشرفت تحصیلی پایین و رفتار ناسازگارانه را تجربه می‌کنند و مشکلاتی در ایجاد و نگهداری روابط بین فردی دارند. آن‌ها در کلاس بیشتر شکست می‌خورند و اعمال تنبیهی مثل محرومیت و اخراج را بیشتر تجربه می‌کنند. آن‌ها نسبت به دیگر گروه‌های دانش‌آموزان با ناتوانی بیشتر از مدرسه حذف می‌شوند (کوک، رائو و کالینز[6]، ۲۰۱۷؛ مازوتیم، وود، تست و فاولر[7]، ۲۰۱۲). محققان سایر پیامدهای منفی ناشی از مشکلات رفتاری را مواردی مانند نقش میانجی‌گر بودن بین سوءاستفاده کردن، غفلت و سازگاری در مدرسه (اه و سانگ[8]، ۲۰۱۸) شکست تحصیلی، بزهکاری، مشکلات اشتغال، سوءاستفاده جنسی و فعالیت‌های کیفری بزرگ‌سالی (لامبروس، کالور، آنگوولو و هومر[9]، ۲۰۱۷)، بیکاری، زندانی شدن، مسئله سلامت روانی و حمایت اجتماعی پایین در مراحل بعدی زندگی (ساترلند، لوئیس-پالمر، استیچر و مورگان[10]،۲۰۰۸) ذکر کرده‌اند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که نشانه‌های برونی‌شده پایداری قابل توجهی طی زمان دارد و در طول تحول به شکل‌های مختلف بروز می‌کند.

یکی از مشکلات کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، مهارت‌های اجتماعی ضعیف می‌باشد. مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مهارت‌های لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و حفظ روابط بین‌فردی رضایت‌بخش در نظر گرفته می‌شود که موانع روابط اجتماعی مثبت و عملکرد اجتماعی آموخته‌شده را برطرف نموده و می‌تواند به عملکرد مؤثر و مفید کمک نماید (ماتسون و ماتسون[11]،

1. Achenbach & Rescorla
2. Internalizing disorder
3. Externalizing disorder
4. Zee, Jong & Koomen
5. Weeden, Wills, Kottowitz & Kamps
6. Cook, Rao & Collins
7. Mazzotti, Wood, Test & Fowler
8. Oh & Song
9. Lambros, culver, Angulo & Hosmer
10. Sutherland, Lewis-Palmer, Stichter & Morgan
11. Matson & Matson

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

۲۰۱۳). این مهارت‌ها عبارت است از رفتارهای انطباقی فراگرفته شده که فرد را قادر می‌سازد با افراد مختلف روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهای دارای پیامد منفی اجتناب نماید (انتصار فومنی و کابینی مقدم، ۱۳۹۵). افراد برخوردار از مهارت‌های اجتماعی این توانمندی را دارند که می‌توانند با دیگران به‌گونه‌ای رفتار نمایند که به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و انجام وظایف خود در حد معقولی نائل آیند و حقوق، الزامات، رضایت خاطر و وظایف دیگران را نیز نادیده نگیرند (هارجی، ساندرس و دیکسون[1]، ۲۰۱۳).

یکی از عناصری که در خانواده ممکن است مشکلات کودک با اختلال رفتاری برونی‌شده را تشدید نماید، مساله فراهیجان[2] در اعضای خانواده است. سازه فراهیجان و تأکید آن بر نقش تفکرات و احساسات والدین درباره هیجانات، در فرآیند فرزندپروری مورد استقبال محققان قرارگرفته است. منظور از فراهیجان، هیجاناتی است که در پاسخ به هیجانات دیگر (برای مثال احساس گناه در مورد خشم) رخ می‌دهند (هارادوالا[3]، ۲۰۱۶). فراهیجان به واکنش‌های هیجانی شخص نسبت به هیجانات خودش گفته می‌شود. فراهیجان می‌تواند به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از هیجانات ثانویه درک شود، یک هیجان ثانویه مثل اضطرابی که به دنبال یک هیجان اولیه مانند خشم می‌آید (گرینبرگ[4]، ۲۰۰۲). گاتمن، کاتز و هوون[5] (۱۹۹۶) معتقدند یک مؤلفه مهم از اجتماعی شدن، شامل دیدگاه فلسفی والدین درباره هیجان یا همان مقوله‌ای است که والدین آن را «فلسفه فراهیجانی[6]» می‌نامند. به‌طور اخص، برخی از والدین تجربیات کودک از هیجان‌ها و ابراز هیجان‌ها (مانند خشم، غم، یا اضطراب) توسط وی را نوعی رویداد منفی قلمداد می‌کنند که باید از آن اجتناب کرد. این دیدگاه‌های هیجانی منفی، در تعاملات والدین به دیگران منتقل می‌شوند، مانند آن‌که والد مربوطه نسبت به هیجان‌های کودک بی‌اعتنا خواهد بود یا از آن‌ها انتقاد خواهد کرد و یا طاقت خود را در اثر آن‌ها از دست خواهد داد (لی هی، تیرچ، ناپولیتانو[7]، ۲۰۰۹؛ ترجمه منصوری‌راد، ۱۳۹۳).

باوجود این‌که پژوهش‌هایی درباره فراهیجان انجام‌شده اما پژوهشی در زمینه تعیین اثربخشی آن بر مهارت‌های اجتماعی در کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده یافت نشد. برای مثال کاکس، سالووی و استرود[8] (۱۹۹۹) نشان دادند که پذیرش و هدایت عواطف و هیجان‌ها توسط والدین، فرزندان را در مدیریت هیجان و برخورد مناسب با دیگران و احساس شایستگی یاری می‌کند. کاتز[9] (۲۰۰۴) معتقد است که دیدگاه فراهیجانی به‌عنوان یک متغیر محافظت‌کننده از کودکان، در برابر اثرات زیان‌بار موقعیت‌های غیرقابل‌تحمل عمل می‌کند و منجر به روابط بهتری بین همسالان می‌شود. رمسدن و هوبارد[10] (۲۰۰۲) ضمن پژوهشی درباره نقش ابراز هیجان در خودتنظیمی هیجانی و پذیرش هیجانی به این نتیجه رسیدند که سطح بالای ابراز هیجانات منفی در مادران، با سطح

1. Hargie, Saunders & Dickson
2. Meta-emotion
3. Haradhvala
4. Greenberg
5. Gottman, Katz & Hooven
6. Meta Emotion Philosophy
7. Leahy, Teerch & Napolitano
8. Kaks, Salovey & Stroud
9. Katz
10. Remsden & Hubbard

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

پایینی از پذیرش هیجانی فرزندان و خودتنظیمی هیجانی در کودکان بستگی دارد. لیهای[1] (۲۰۰۶) به این نتیجه رسید که افرادی که دیدگاه منفی در مورد هیجانات داشتند، دارای مشکلات بیشتری در برخورد با مسائل زندگی خود بودند و از روش‌های خطرآفرین بیشتری برای کنترل محیط خویش استفاده می‌کردند. کاتز و هانتر[2] (۲۰۰۷) ضمن پژوهشی درباره نقش آگاهی هیجانی مادران در افسردگی و هوش عاطفی فرزندان دریافتند که مادرانی که پذیرش بالایی دارند، دارای فرزندانی بودند که نشانه‌های کمتری از شیوع افسردگی نشان دادند و نمره بالاتری در هوش عاطفی به دست آوردند و همچنین سازگاری بهتری را نشان دادند. هالبرت و لوزادا[3] (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فراهیجان والدین علاوه بر این‌که می‌تواند بر تاب‌آوری مؤثر باشد پیش‌بینی کننده هوش هیجانی نیز می‌باشد. کاتز، مالکین و استلر[4] (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ابعاد فراهیجانی والدین و تاب‌آوری فرزندان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که فراهیجان، احساسات والدین را با فرزندان همسو می‌کند و حمایت و درک بهتری را برای فرزندان در زمان‌های خشم و غمگینی و ناکامی فراهم می‌آورد. براجسا- زیگانک[5] (۲۰۱۳) نشان دادند که آگاهی فراهیجانی والدین از طریق کاهش عاطفه منفی به‌طور غیرمستقیم منجر به کاهش مشکلات رفتاری برون‌ریزی‌شده (همانند پرخاشگری) در کودکان می‌شود. درمجموع نتایج این پژوهش نشان داد دیدگاه فراهیجانی والدین نقش بسزایی در ایجاد رفتارهای جامعه‌پسند دارد. استیت و ترنر[6] (۲۰۱٤) ضمن پژوهشی درباره نقش والدین در شکل‌گیری هیجان و آگاهی بخشی والدین در موقعیت‌های هیجانی نشان دادند که والدین با آموزش‌هایی که در حیطه هیجان‌ها به فرزندان خود می‌دهند، احساس شایستگی را در فرزندان بالا می‌برند و فرزندان در مواجهه با موانع و استرس‌های بیرونی، احساس کارآمدی بیشتری را تجربه خواهند کرد که این امر به تاب‌آوری آنان کمک می‌نماید. هورل، هووینگ و هادسون[7] (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی فلسفه فراهیجانی والدین و هدایت‌گری هیجانی در خانواده‌ها روی کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی پرداختند و نشان دادند که دانش‌آموزان مبتلا به اختلالات اضطرابی با والدینی که دارای سبک‌های فراهیجانی هستند، از هدایت‌گری احساسات بهتری برخوردار هستند.

با توجه به آسیب‌زا بودن و شیوع بالای مشکلات رفتاری برونی‌شده و نقص در مهارت‌های اجتماعی در این گروه از کودکان، نقش خانواده به‌عنوان یکی از علل مهم در پیدایش و تداوم این مشکلات و نقش و اهمیت دیدگاه فراهیجانی در تعامل با کودک و تأکید آن بر نقش تفکرات و احساسات والدین درباره هیجانات و همچنین با عنایت به نبودن پژوهش در زمینه اثربخشی مدل فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، این پژوهش باهدف بررسی اثربخشی مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای مشکلات رفتاری برونی شده دوره ابتدایی شهر اصفهان انجام شد.

1. Lee Hi
2. Hunter
3. Holbert & Lozada
4. Maliken & Stetller
5. Brajsa-Zganec
6. Stets & Turner
7. Hurrell, Houwing & Hudson

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی به‌صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش را کلیه کودکان دختر و پسر ۱۰-۷ سال دارای مشکلات رفتاری برونی‌شده تشکیل داد که در مدارس ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش برای انتخاب شرکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای تصادفی استفاده شد. در مرحله اول از فهرست مدارس دولتی دخترانه و پسرانه، ٤ مدرسه به‌طور تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم با توجه به مدارس انتخاب‌شده، در هر مدرسه کلاس‌های اول تا چهارم ازلحاظ ویژگی‌های موردتحقیق بررسی شدند. به‌منظور انتخاب دانش‌آموزان مبتلا به مشکلات رفتاری برونی شده از والدین این دانش‌آموزان خواسته شد پرسشنامه مشکلات رفتاری آخنباخ را تکمیل کنند. پس از نمره‌گذاری پرسشنامه‌های تکمیل‌شده، درنهایت ۳۰ (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) دانش‌آموز که نمره مقیاس برونی‌سازی شده آن‌ها در فهرست رفتاری کودکان بالای خط برش (T>63) بود و بالاترین نمره را در این مقیاس کسب کرده بودند، والدین این دانش‌آموزان رضایت آگاهانه برای شرکت در جلسات درمانی داشتند و به‌صورت همزمان خدمات مشاوره، روان‌درمانی و روان‌پزشکی دیگری دریافت نمی‌کردند، به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پس از سازمان‌دهی نهایی، برای والدین دانش‌آموزان گروه آزمایشی، جلسه‌های آموزشی ظرف مدت ٦ هفته (هر هفته یک جلسه یک و نیم‌ساعته) در یکی از مدارس، طبق برنامه زمان‌بندی‌شده برگزار شد. درحالی‌که گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرد. در همه مراحل ملاحظات اخلاقی برای هر دو گروه رعایت شد و به گروه کنترل اعلام شد که در پایان جلسات مداخله‌ای، آن‌ها نیز می‌توانند همانند گروه مداخله، برنامه آموزشی را دریافت کنند.

در پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شد:

فرم فهرست رفتاری کودکان[1]: در این پژوهش نشانه‌ها و مشکلات برونی شده دانش‌آموزان بر اساس تکمیل فهرست رفتاری کودکان از نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ و رسکورلا (۲۰۰۱) تعیین شد. در این فهرست رفتاری از مجموع نمره‌های زیرمقیاس‌های اضطراب/ افسردگی، انزوا/ افسردگی و شکایت‌های جسمانی مقیاس مشکلات درونی شده و از مجموع نمره‌های زیرمقیاس‌های رفتار قانون‌شکنی و رفتار پرخاشگرانه مقیاس مشکلات رفتار برونی شده به دست می‌آید و درمجموع نمره‌های سایر زیر مقیاس‌ها معرف قلمروهای دیگر مشکلات کودکان هستند. در پژوهش حاضر تنها از مقیاس مشکلات برونی شده این فهرست استفاده شد. این ابزار در ایران نیز توسط مینایی (١٣٨٤) هنجاریابی شده است و همسانی درونی، همبستگی‌های مربوط به توافق متقابل بین پاسخ‌دهندگان، روایی ملاکی و سازه و قدرت تمایز گذاری بین گروه بالینی و بهنجار در حد رضایت‌بخش گزارش‌شده است. همچنین نقاط برش برای مشکلات درونی شده و برونی شده و مشکلات کلی با آنچه توسط آخنباخ و رسکورلا محاسبه‌شده بود، برابر بوده است. در این پژوهش، ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ در نمونه ٤٥ نفری

[1]. Child Behavior Check List

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

برای مقیاس برونی شده برابر با ۰/۸۳ و برای زیرمقیاس‌های رفتار پرخاشگرانه و نادیده گرفتن قواعد به ترتیب برابر با ۰/۷۹ و ۰/٦۱ به دست آمد.

پرسشنامه مهارت اجتماعی ماتسون: مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون فرم کودکان را ماتسون و همکارانش در سال ۱۹۸۳ برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ٤ تا ۱۸ ساله تدوین کرده‌اند. این مقیاس بر اساس شاخص ۵ درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت با دامنه‌ای از ۱ (هرگز) و ۵ (همیشه) نمره‌گذاری شده است. این مقیاس شامل ٥٦ عبارت است که عوامل زیر را می‌سنجد (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱).

- مهارت‌های اجتماعی مناسب: رفتارهای اجتماعی مناسب، از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مودب بودن، به کار بردن نام دیگران و اشتیاق به تعامل با دیگران به طریقی مفید و مؤثر را در برمی‌گیرد.
- رفتارهای اجتماعی نامناسب: رفتارهایی مانند دروغ گفتن، کتک‌کاری، خرده گرفتن بر دیگران، ایجاد صداهای ناهنجار و ناراحت‌کننده و زیر قول خود زدن را در برمی‌گیرد.
- پرخاشگری و رفتارهای تکانشی: رفتارهایی مانند به‌آسانی عصبانی شدن، یک‌دنده و لج بازی، دعوا و مرافع به راه انداختن، قلدری و کتک‌کاری را در برمی‌گیرد.
- برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود: رفتارهایی در مورد به خود نازیدن و به دیگران پز دادن، تظاهر به دانستن همه‌چیز و خود را برتر از دیگران دیدن را در برمی‌گیرد.
- رابطه با همسالان: شامل تنهایی، حسادت، دوستی و بازی با بچه‌های دیگر است.

هدف اصلی پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون، سنجش مهارت‌های اجتماعی از ابعاد مختلف (مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، برتری‌طلبی، اطمینان زیاد به خود داشتن، رابطه با همسالان) است.

در ایران مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون را یوسفی و خیر (۱۳۸۱) بر روی ٥٦۲ نفر دانش‌آموز دختر و پسر شیراز موردبررسی قرار داده‌اند که روایی آن را مطلوب و مناسب و همچنین پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ و دونیمه کردن ۰/۸٦ گزارش‌شده است (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱).

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن: خلاصه جلسات مداخله در جدول ۱ ارائه‌شده است.

جدول۱. خلاصه جلسات مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن

ردیف	جلسه	محتوای جلسه
۱	جلسه اول	ارتباط و آشنایی با والدین، معرفی برنامه‌ها و اهداف آموزشی، آشنایی والدین با مفهوم فلسفه فراهیجانی، آشنایی والدین با تأثیر و اهمیت هیجانات در رابطه با فرزندان.
۲	جلسه دوم	شناخت هیجان و موقعیت‌های برانگیزاننده و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت هیجان‌ها، توضیح و تبیین انواع هیجانات، شناخت هیجانات مختلف
۳	جلسه سوم	شناخت و آموزش آگاهی هیجانی، آموزش نحوه‌ی آگاهی از هیجانات خود و هیجانات فرزندان، آگاهی از تغییرات در چهره، زبان بدن و تن صدا، درک و فهم این نکته که هیجانات یک قسمت طبیعی و البته ارزشمند زندگی هستند.
٤	جلسه چهارم	شناخت و آموزش هدایت‌گری هیجانی، متقاعد کردن والدین در راستای ابراز مناسب و مثبت هیجانات فرزندان، آموزش فن‌های هدایت‌گری هیجانی
٥	جلسه پنجم	آشنایی شرکت‌کنندگان با سبک‌های فراهیجانی قابل رخداد، آشنایی با مهارت‌های لازم سبک‌های فراهیجانی.
٦	جلسه ششم	بازخوانی و بازنگری مفاهیم کلیدی فلسفه فراهیجانی و کاربست آن در جهت اجرای اهداف.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار نمره‌های گروه آزمایش در مهارت‌های اجتماعی (مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتارهای غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانش گری، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود و رابطه با همسالان) در جدول ۲ ارائه‌شده است.

جدول۲. میانگین و انحراف معیار نمره‌های مهارت‌های اجتماعی

متغیر	مرحله	مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی		کنترل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مهارت‌های اجتماعی مناسب	پیش‌آزمون	٤٨/٤٦	١٤/٠٢	٤٩/٨٠	١١/٨٥
	پس‌آزمون	٦٧/٩٣	٥/٤٤	٤٩	١٢/٦٢
رفتارهای غیراجتماعی	پیش‌آزمون	٣٥/٧٣	٨/٥٨	٣٣/٦٠	٨/٢٨
	پس‌آزمون	٣٢/٦٠	٣/٢٢	٣٤/٦٦	٨/٢٧
پرخاشگری و رفتار تکانش گری	پیش‌آزمون	٤٨/٢٠	٩/٠١	٤١/٦٠	٩/٩٦
	پس‌آزمون	٣٦/٦٠	٣/٥٢	٤١/٥٣	١٠/٠١
برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود	پیش‌آزمون	٢٦/٤٠	٧/٦٢	١٨/٤٦	٥/٦٠
	پس‌آزمون	١٩/٩٣	٣/١٥	١٨/٢٦	٥/٣٧
رابطه با همسالان	پیش‌آزمون	٢٤/١٣	٦/٨٢	٢٧/٦٠	٦/٧٢
	پس‌آزمون	٣٤/٥٣	٣/٧٥	٢٨/٢٦	٧/٠٤

همان‌طور که در نتایج جدول ۲ مشاهده می‌شود، نمره‌های گروه آزمایش در مهارت‌های اجتماعی با پس‌آزمون‌ها و گروه کنترل تفاوت بسیاری داشته است. به‌منظور استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس ابتدا به بررسی پیش‌فرض‌های آن ازجمله برابری واریانس‌ها پرداخته شد. به‌منظور بررسی فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لوین (Levene's test) استفاده گردید. نتایج این آزمون برای متغیر مهارت‌های اجتماعی مناسب (F=٠/٢١٧ ،p=٠/٦٤٥)، متغیر رفتارهای غیراجتماعی (p=٠/٩٨٠، F=٠/٠٠١)، متغیر پرخاشگری

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

و رفتار تکانشی (F=۰/۱۱٦ ،p=۰/۷۳٦)، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود (F=۰/۹۱٤ ،p=۰/۳٤۷) و رابطه با همسالان (۰/۲۱۸ =p، F=۱/۵۹۱) نشان داد که فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. نتایج لامبدای ویلکز (Wilk's Lambda test) نشان داد مقدار F محاسبه‌شده (F=۵۸/٦۰۸ ،p=۰/۰۰۱) معنی‌دار است؛ به‌عبارت‌دیگر مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر روی متغیر وابسته اثربخش است. اندازه اثر نشان می‌دهد که اثربخشی آموزش بر روی متغیر وابسته ٦۹ درصد بوده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج آزمون تحلیل کوواریانس در مرحله پس‌آزمون

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	حجم اثر
	مهارت‌های اجتماعی مناسب	۲۸۹٤/٦۰۱	۱	۲۸۹٤/٦۰۱	٦۵/۵۲٤	۰/۰۰۱	۰/۷۰۸
	رفتارهای غیراجتماعی	۸۳۹/۷۹۳	۱	۸۳۹/۷۹۳	۵۵/٦۳۸	۰/۰۰۱	۰/٦۷۳
عضویت گروهی	پرخاشگری و رفتار تکانشی	٦۹۷/۲٦۰	۱	٦۹۷/۲٦۰	٤۰/۹۷٤	۰/۰۰۱	۰/٦۰۳
	برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود	٤۰٤/۹۳۹	۱	٤۰٤/۹۳۹	٤۸/۱۳۲	۰/۰۰۱	۰/٦٤۱
	رابطه با همسالان	۵۰٤/۵۹۵	۱	۵۰٤/۵۹۵	۳۷/۱۹٤	۰/۰۰۱	۰/۵۷۹
	کل	۲۲۷٦٤/۱۸۳	۱	۲۲۷٦٤/۱۸۳	۸۹/۳۹۱	۰/۰۰۱	۰/۷٦۸

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون به لحاظ مهارت‌های اجتماعی مناسب (F=٦۵/۵۲ ،p=۰/۰۰۱)، رفتارهای غیراجتماعی (F=۵۵/٦۳ ،p=۰/۰۰۱)، پرخاشگری و رفتار تکانشی (F=٤۰/۹۷ ،p=۰/۰۰۱)، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود (F=٤۸/۱۳ ،p=۰/۰۰۱) و رابطه با همسالان (F=۳۷/۱۹ ،p=۰/۰۰۱) تفاوت معنی‌داری وجود دارد (p<۰/۰۵)؛ به‌عبارت‌دیگر، مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده مؤثر است و میزان این تأثیر در متغیرهای مهارت‌های اجتماعی مناسب ۷۰ درصد، رفتارهای غیراجتماعی ٦۷ درصد، پرخاشگری و رفتار تکانشی ٦۰ درصد، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود ٦٤ درصد و رابطه با همسالان ۵۷ درصد می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی مداخله والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده انجام گرفت. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که این روش تأثیر معناداری بر مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده دارد. این یافته می‌تواند برای والدین و متخصصان نکات تربیتی مهمی را در برداشته باشد. درواقع دیدگاه فراهیجانی والدین به‌عنوان یک متغیر محافظت‌کننده از کودکان، در برابر اثرات زیان‌بار موقعیت‌های غیرقابل‌تحمل عمل می‌کند و منجر به روابط بهتری بین همسالان می‌شود، همچنین والدین را متوجه اهمیت عواطف در زندگی خود و فرزندان می‌کند. والدین و متخصصان با آگاه شدن از نقش عواطف می‌توانند زمینه‌های لازم را برای آگاهی فرزندان و پذیرش عواطف خود فراهم نمایند و والدین متوجه نیاز کودکان به الگویی برای عمل شوند. اگرچه یافته پژوهشی که به‌طور مستقیم با یافته‌های پژوهش حاضر همسان باشد، مشاهده نگردید اما به‌طور غیرمستقیم این نتایج همسو با پژوهش کاتز (۲۰۰٤)، رمسدن و هوبارد (۲۰۰۲)، کاتز

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

و هانتر (۲۰۰۷)، استیت و ترنر (۲۰۱٤) و هورل و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر نقش فلسفه فراهیجانی در پرورش فرزندان و کارایی این مداخله است. در تبیین یافته‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های والدین کودکان دبستانی به‌ویژه کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، آینده اجتماعی است. چراکه والدین این کودکان در جریان فعالیت‌های روزانه و یا بازی با کودکشان بیشتر از سایر والدین با ضعف در مهارت‌های اجتماعی مواجه شده و درنتیجه این نگرانی‌ها برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی، بیش‌ازپیش مصمم شده و تلاش می‌کنند تا مهارت‌های فرزندانشان را در این دو حیطه ارتقا بخشند تا شاهد موفقیت‌های آینده وی در سال‌های روبه‌رو باشند. تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده، برقراری ارتباط به نحو مناسب و شایسته با دیگران را در برمی‌گیرد که درنتیجه تعامل شخص با محیط، منجر به کاهش رفتارهای غیراجتماعی و پرخاشگرانه می‌شود. دیدگاه فراهیجانی والدین عواطف فرزندان را به رسمیت می‌شناسد و ابراز عواطف در فرزندان را به فرصتی برای آموزش تبدیل می‌کند. این والدین به دلیل دید مثبتی که به عواطف دارند، کمک می‌کنند که فرزندانشان نیز قادر به درک و کنترل عواطف باشند؛ همچنین آنان به دلیل القای پذیرش به فرزندان می‌توانند آنان را نسبت به زندگی خوش‌بین بار آورند و همچنین برقراری روابط اجتماعی برایشان آسان شود. ایولینی‌کو[1] (۲۰۰٦) اظهار می‌دارد که والدین هدایت‌گر از یک‌سو به فرزندانشان اهمیت عواطف را در زندگی آموزش می‌دهند و از سوی دیگر با تعیین حدومرزها، الگویی روشن از چگونگی رفتار کردن را در اختیار فرزندشان می‌گذارند. آنان با آموزش‌ها و هدایت‌های لازم، برای فرزندانشان برقراری ارتباطات اجتماعی را آسان می‌کنند. این فرزندان سازگاری بالایی دارند و از رفتار اجتماعی قابل قبولی برخوردارند که این مهارت‌ها از ابعاد مهم مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. گاتمن، کاتز و هوون (۱۹۹۷) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که دیدگاه فراهیجانی والدین به فرزندان احساس متفاوتی از عزت‌نفس، خودکارآمدی و توانایی ایجاد روابط دوستی القا می‌کند، بدین گونه که والدین با پذیرش فرزندان و فراهم کردن الگو، آنان را برای عمل مجهز می‌کنند.

لازم به ذکر است که برخی از محدودیت‌های روش‌شناختی پژوهش حاضر، تعمیم‌پذیری نتایج آن را با محدودیت مواجه می‌کند. ازجمله مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر را کودکان ۱۰-۷ سال دارای مشکلات رفتاری برونی‌شده شهر اصفهان تشکیل داده‌اند، بنابراین تعمیم‌پذیری نتایج به نمونه‌های دیگر باید بااحتیاط انجام پذیرد. محدودیت دیگر پژوهش حاضر، انجام آن به‌صورت مقطعی است؛ بنابراین توصیه می‌شود بررسی طولی وضعیت مهارت‌های اجتماعی این کودکان باگذشت زمان انجام شود. مطالعه حاضر شواهد اولیه‌ای را فراهم می‌کند مبنی بر این‌که مداخله والدمحور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی گاتمن ممکن است فراتر از بهبود مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان هدف مستقیم مداخله، پیامدهای درمانی غیرمستقیم و ثانویه‌ای در بین کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده داشته باشد. این نتایج هرچند مقدماتی هستند، لیکن بسیار ترغیب‌کننده‌اند. با توجه به تأثیر مهارت‌های اجتماعی بر عملکرد روزانه و زندگی اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده، مداخله‌هایی که بتواند این مشکل را در سنین پایین‌تر به‌خوبی نشانه بگیرد برای به حداکثر رساندن نتیجه درمان طولانی‌مدت ضرورت دارند. پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی به مقایسه

[1]. Evelyne

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

اثربخشی درمان‌های دیگر با بسته آموزشی والد محور مبتنی بر فلسفه فراهیجانی در بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان با مشکلات رفتاری برونی شده؛ اجرای این روش در جوامع دیگر کودکان با نیازهای خاص؛ شناسایی سایر عوامل میانجی احتمالی به‌منظور فراهم کردن مداخلات کارآمدتر برای کودکان با مشکلات رفتاری برونی‌شده؛ بررسی ارتباط فلسفه فراهیجانی با متغیرهای روان‌شناختی دیگر نظیر عملکرد تحصیلی و تاب‌آوری بپردازند. تحقیقات آتی می‌تواند به پژوهش‌هایی بپردازد که تنها دیدگاه فراهیجانی یکی از والدین را بررسی کرده باشد. بررسی تغییرات دیدگاه فراهیجانی والدین در دوران مختلف رشد فرزندان از دیگر پیشنهادات این پژوهش می‌باشد.

منابع

- انتصار فومنی، غلام‌حسین و کابینی مقدم، سلیمان (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و تکانش گری در بین دختران ساکن خانه‌های شبانه‌روزی. *پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران: مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، موسسه آموزش عالی مهر اروند.
- لی هی، رابرت ال؛ تیرچ، دنیس و ناپولیتانو، لیزا. (۱۳۹۳). تکنیک های تنظیم هیجان در روان‌درمانی (راهنمای کاربردی). ترجمه عبدالرضا منصوری راد. تهران: انتشارات ارجمند.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸٤). کتابچه راهنمای فرم‌های سن مدرسه نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ. تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی کشور.
- یوسفی، فریده و خیر، محمد. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران در این مقیاس. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲، ۱٤۷–۱۵۸.
- Achenbach, T.M., & Rescorla, L.A. (2001). ASEBA school age forms profiles. Burlington: University of Vermont, research center for children, youth & families.
- Brajsa-Zganec, A. (2013). Emotional Life of the Family: Parental Meta-Emotion, Children's Temperament and Internalizing and Externalizing Problems. 23, 25-45.
- Cook, S. C., Rao, K., & Collins, L. (2017). Self-monitoring interventions for students with EBD: Applying UDL to a research-based practice. *Beyond Behavior*, *6*(1), 19-27.
- Evelyne, K. c. (2006). Meta-emotion Philosophy, emotional intelligence and relationship to adolescent emotional intelligence. Swinburne University of Technology, Australia: Master's thesis.
- Gottman, J. M., Katz, L. F., & hooven, C. (1997). Meta emotion: How families communicate emotionally. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Greenberg, L. (2002). Emotion Focused Therapy. Coaching Clients Through Their Feelings. *American psychological association*, 43, 124-167.
- Haradhvala, N. (2016). Meta-emotions in daily life. associations with emotional awareness and depression (Master thesis), Washington University.
- Hargie, O., Saunders, C., & Dickson, D. (2013). Social skills in Interpersonal Communication. Translated by: Kh. Beigi & M. Firoozbakht. Tehran: Roshd.
- Holbert, R., & Lozada, O.G. (2011). The Role of Meta-emotion in the Resilience and Emotional Intelligence of children and Adolescence. Metropolitan University, London. Unpublished Dissertation.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

- Hurrell, K. E., Houwing, F. L., & Hudson, J. L. (2017). Parental Meta-Emotion Philosophy and Emotion in Families of children and Adolescents with an Anxiety Disorder. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 45, 569-582.
- Kaks, J. L., Salovey, P., & Stroud, L.R. (1999). Effectiveness of Accepting and Emotion Coaching on Emotional Management of Children with Conduct problems. *Psychology and Health*, 17,611-627.
- Katz, L. F. (2004). Parental meta- emotion philosophy in families with conduct-problem children: link with peer relations. *Journal of abnormal child psychology*, 32 (4), 385-39.
- Katz, L. F., & Hununter, D. F. (2007). The Role of Emotional Awareness of Mothers in Depression and Emotional Intelligence of Children. University of Missouri-Kansas City: PHD dissertation.
- Katz, L. F., Maliken, A. C., & Stetller, N. M. (2012). Relationship between Meta-emotion Dimensions parental and Children's Resilience. *Child Developmental Perspectives*, 6, 417-422.
- Lambros, K. M., culver, S. K., Angulo, A., & Hosmer, P. (2007). Mental health intervention teams: A collaborative model to promote positive behavioral support for youth with emotional or behavioral disorders. *The California School Psychologist, 12*, 59-71.
- Lee Hi, S. A. (2006). Relationship between Parental Meta-emotion Perception and Methods of Control and Dealing with Social Environment. *International Journal of Adolescence and youth, 14*, 354-367.
- Matson, J.L., Matson, K. (2013). Evaluation of social skills with youngsters. Manual, Worthington, OH, *International Diagnostic System*, 20-115.
- Mazzotti, V., Wood, C., Test, D., & Fowler, C. (2012). Effects of computer-assisted instruction on Students knowledge of self-determined learning model of instruction and disruptive behavior. *The journal of special education, 45*(4), 216-226.
- Oh, I., Song, J. (2018). Mediating effect of emotional/behavioral problems and academic competence between parental abuse/neglect and school adjustment. *Child Abuse and neglect, 86*, 393-402.
- Ramsden, J. K., & Hubbard, L. F. (2002). The role of Excitement Emotional in Emotional Regulation and emotional Acceptance. *Emotion Review*, 3, 158-168.
- Stets, J. E., & Turner, J. H. (2014). The Role of Parents in Shaping the Emotions and Parental's Awareness in Emotional Situations. *Handbook of the Sociology of Emotion: Volume II*. New York, NY: Springer.
- Sutherland, K. S., Lewis-Palmer, T., Stichter, J., & Morgan, P. T. (2008). Examining the influence of teaching behavioral and classroom context on the behavioral disoeders. *The Journal of Special education, 41*(4), 223-233.
- Weeden, m., Wills, H. P., Kottwitz, E., & kamps, D. (2016). The effects of a class-wide behavior intervention foe students with emotional and behavioral disorders. *Behavioral Disorders, 42* (1), 285-293.
- Zee, M., Jong, P. F. D., & Koomen, H. M. Y. (2017). From externalizing student behavior to student-specific teacher self-efficacy: The role of teacher-perceived conflict and closeness in the student-teacher relationship. *Contemporary Educational Psychology, 51*, 37-50.

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]

Effectiveness of Parent- centered Intervention Based on Gottman's Meta- Emotional Philosophy on Social Skills in Children with Externalizing Behavioral Problems

Abstract

present study aimed to investigate the effectiveness of Parent- centered Intervention Based on Gottman's Meta- Emotional Philosophy on Social Skills in Children with Externalizing Behavioral Problems. The research design was quasi-experimental with pretest and posttest with control group. The study population included all children 7-10 years with Externalizing Behavioral Problems in Isfahan. The sample included 30 students with Externalizing Behavioral Problems selected through multiple random cluster sampling and divided into experimental and control group. The experimental group participated in a 6 session's intervention. Child Behavior Check List and Matson Social Skill Questionnaire were used for data collection. The mean of posttest was a significant difference between the experimental and control groups (P<0/05) and this indicates the positive effect of parent-centered intervention. This study clarified role and importance of parental meta-emotional viewpoint and it has shown parent-centered intervention based on meta-emotional philosophy improves the social skills of children with externalizing Behavioral Problems.

Keywords: *Parent-centered Intervention, Meta-Emotional Philosophy, Children, Externalizing Behavioral Problems.*

[Downloaded from ijndibs.com on 2026-11-11]